

## روابط ایران و روسیه: فرصت‌ها، چالش‌ها و

### سازوکارهای بسط روابط

قاسم اصولی<sup>۱</sup>  
رؤیا رسولی<sup>۲</sup>

**چکیده:** علاوه بر اهمیت اقتصادی روابط با ایران از نگاه روسیه، ایران تأثیر به‌سزایی در تحولات جهان اسلام دارد و همکاری با این کشور می‌تواند موازنه لازم برای روسیه در محیط پیرامونی آن که توسط کشورهای اسلامی احاطه شده است را به وجود آورد. در همکاری‌های ایران و روسیه عوامل بسیاری دخالت دارند. علاوه بر وضعیت سیاسی، عوامل دیگری از قبیل ثروت‌های طبیعی عظیم موجود در دو کشور به ویژه نفت و گاز، نیروی انسانی، توانایی‌های نظامی، تأثیرات منطقه‌ای و عوامل بین‌المللی باعث شده تا روابط مسکو-تهران اهمیت ویژه‌ای به خود بگیرد. سؤال اصلی این پژوهش این است که چالش‌ها و فرصت‌های روابط ایران و روسیه تا سال ۲۰۱۸ در حوزه‌های مختلف روابط دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی کدامند؟ و چه سازوکارهای عملی برای بسط و توسعه روابط ایران و روسیه وجود دارد. در این پژوهش در یک بخش به فرصت‌ها و در بخش دیگر به چالش‌ها و در نهایت با نگاه آینده‌پژوهانه به سازوکارهای عملی روابط دو کشور به روش تبیینی پرداخته می‌شود.

**واژگان کلیدی:** ایران، روسیه، روابط دوجانبه، روابط منطقه‌ای، تعاملات بین‌المللی، خزر، خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز.

۱. آقای قاسم اصولی، دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس

ghasem.osuli@gmail.com

۲. خانم رؤیا رسولی، دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات خاورمیانه، دانشگاه تهران.

## مقدمه

دستور سیاست خارجی پوتین که در ۶ می ۲۰۱۲ صادر شد، نشان می‌دهد تغییر بنیادینی در سیاست خارجی و دفاعی روسیه در مقایسه با یک دهه گذشته اتفاق نیافتاده است. به طور کلی، از زمان به قدرت رسیدن پوتین در سال ۲۰۰۰، سطح مخالفت با غرب از تضاد و مخالفت آشکار به بی‌اعتمادی صریح تغییر یافته و با برخی از مؤلفه‌های همکاری‌جویانه تعدیل شده است. دوره سوم ریاست جمهوری پوتین منعکس‌کننده این تغییرات است. تاکنون پوتین کوشیده است خود را از سیاست‌های ایالات متحده دور نگاه دارد و در عین حال روابط نزدیک‌تری را با کشورهای برقرار کند که منتقد یک‌جانبه‌گرایی آمریکا هستند. در این راستا، پوتین با انتقاد از سیاست‌های توسعه‌طلبانه آمریکا، یک جبهه جدید با حضور بازیگرانی نظیر ایران، چین، هند، برزیل و آفریقای جنوبی با هدف ایجاد یک وزنه تعادل در عرصه روابط بین‌الملل تشکیل داده است و این فرصت‌هایی را برای گسترش روابط ایران و روسیه فراهم کرده است (تضمینی، ۱۳۹۱).

در رابطه با اهمیت ایران در نگاه روسیه می‌توان به این نکته اشاره کرد که پوتین در مقاله هفتم خود در رابطه با سیاست خارجی تأکید می‌کند تمام تحریم‌های موجود علیه ایران از جمله تحریم‌های یک‌جانبه در مقابل قرار گرفتن تمام فعالیت هسته‌ای ایران تحت کنترل مطمئن و همه‌جانبه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی لغو شود. با توجه به دستور کار سیاست خارجی روسیه در سال ۲۰۱۲ فرصت‌ها و چالش‌های متعددی در سطوح مختلف روابط یعنی دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی برای همکاری دو کشور مهیا می‌شود.

سؤال اصلی که در این پژوهش مطرح می‌شود این است چه چالش‌ها و فرصت‌هایی در سطوح مختلف روابط بین دو کشور تا سال ۲۰۱۸ محتمل‌الوقوع است و چه سازوکارهای عملی در جهت تبدیل چالش‌ها به فرصت‌ها و نیز تعمیق و گسترش روابط دو کشور وجود دارد؟ محورهای مطالعه برای پاسخ‌گویی به این سؤال عبارتند از: الف) چالش‌ها و فرصت‌ها در روابط دوجانبه در حوزه‌های مختلف انرژی، فناوری هسته‌ای، ارتباطات و نظامی،

ب) چالش‌ها و فرصت‌های همکاری در سطح منطقه‌ای در حوزه‌های مختلف جغرافیایی (آسیای مرکزی، قفقاز، خاورمیانه، دریای خزر)،  
ج) چالش‌ها و فرصت‌های همکاری در سطح بین‌المللی،  
د) راهکارهای عملی برای تعمیق و گسترش روابط.

در این پژوهش سعی می‌شود به روش توصیفی و تبیینی به سؤال اصلی پاسخ داده شود.

اکثر تحلیل‌گران به جای تأکید بر همکاری استراتژیک بر فهم متقابل همکاری پراگماتیک میان ایران و روسیه تأکید دارند. برای مثال، ارس و اوزبای اتحاد استراتژیک را نوعی از روابط امنیتی گسترده می‌دانند که دربرگیرنده سایر ابعاد همکاری برای دستیابی به اهداف مشترک در رابطه با کمک‌های نظامی، صنایع دفاعی، مانورهای نظامی مشترک، اشتراکات علمی، به‌کارگیری نیروهای نظامی در کشورهای متحد و آموزش‌های نظامی است که روابط ایران و روسیه از این مقوله خارج است (Aras and Ozbay, 2008: 56). به نظر مارک کاتز، روسیه و ایران در بسیاری از منافع و اهداف در سال‌های اولیه رئیس‌جمهوری پوتین مشترک بوده‌اند و ماهیت همکاری‌شان به همکاری استراتژیک تغییر پیدا کرده است، اما در اواسط ریاست‌جمهوری پوتین روسیه و ایران عدم توافق خود را در رابطه با موضوعات مختلف از قبیل مسئله دریای خزر نشان داده‌اند (Katz, 2002: 69) و روابطشان فقط بعد پراگماتیگ خود را به جای اهداف بلندمدت استراتژیک نشان داده است. بورنز و هیومن صدی نیز ماهیت روابط دو کشور را تاکتیکی تعریف کرده‌اند که یک همکاری کوتاه‌مدت بر پایه منافع متقابل کوتاه‌مدت است که اغلب در پی دستیابی به اهدافی است که در خدمت هدف سیاست خارجی دولت است (Burns and Sadri, 2008). جلالی نیز تأکید می‌کند تهران و مسکو به دلیل نگرش‌های ژئواستراتژیک مشابه و با وجود تعارض منافع در بعضی مناطق در تعدادی از موضوعات با هم همکاری می‌کنند. وی معتقد است این دو کشور روابط استراتژیک دارند و علاوه بر منافع دوجانبه در رابطه با کاهش هژمونی آمریکا، فروش تسلیحات نظامی و صادرات تکنولوژیک روسیه به ایران، منافع اقتصادی زیادی برای روسیه فراهم می‌کند که به راحتی نمی‌تواند رابطه با ایران را رها کند (Jalali, 2002: 98). الکسی مالاشنکو<sup>۱</sup> نیز ادعا می‌کند که روابط دو کشور بیشتر ماهیت اقتصادی دارد و به دلایلی امکان همکاری استراتژیک میان دو کشور وجود ندارد و یکی از دلایل اصلی این است که ایران روسیه را به عنوان بخشی از جهان غرب، اروپا و مسیحیت به حساب می‌آورد (Cited in Scott Peterson, 2009).

در این پژوهش به جای پرداختن به مقتضیات روابط استراتژیک، بر ماهیت روابط عمل‌گرایانه دو کشور تأکید می‌شود و با نگاه آینده‌پژوهانه به روابط دو کشور این مسئله موردنظر است که به‌رغم عدم تغییرات اساسی در سیاست‌های کلی روسیه در سال

1. Alexi Malashenko

۲۰۱۲ در قیاس با روسیه ۲۰۰۰ دوره پوتین، به دلیل تغییرات محیطی، زمینه برای بسط روابط دو کشور تا ۲۰۱۸ مهیا است.

### اهمیت روابط دو کشور

پس از فروپاشی شوروی و تغییر ساختار نظام بین‌الملل به خاطر حاکمیت تفکر آتلانتیک‌گراها در روسیه و اولویت بالایی که مقامات مسکو برای ادغام در نهادهای بین‌المللی و غربی قائل بودند، سیاست خارجی روسیه در سال‌های نخست پس از فروپاشی، جایگاه مناسبی برای جمهوری اسلامی ایران قائل نبود و حتی ایران را به‌عنوان یک کانون تهدید برای منافع خود در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز می‌پنداشتند، به‌طوری که روابط دو کشور در سال ۱۳۷۲ تا مرز قطع شدن پیش رفت. اما به تدریج نگرش آتلانتیک‌گراها در روسیه زیر سؤال رفت و روسیه برای اقناع افکار عمومی داخلی و نشان دادن استقلال عمل خود در روابط بین‌الملل به توسعه روابط با دولت‌هایی چون ایران پرداخت.

در حالت کلی در شرایط تقابلی و رقابت روسیه با غرب زمینه برای گسترش روابط ایران و روسیه مهیا می‌شود و عکس این قضیه نیز صادق است. بنابراین، از یک طرف با روی کار آمدن پوتین در سال ۲۰۱۲ و کیش شخصیتی او که در قیاس با مدودف اعمال‌کننده سیاست مستقل‌تری نسبت به غرب است؛ و از طرف دیگر نقش موثر دولت روسیه نسبت به گروه‌های اقتصادی در تعیین دیپلماسی سیاسی نسبت به ایران در حالت تقابلی روسیه با آمریکا (Shokri, 2013: 17-25)، زمینه برای بسط و تقویت روابط ایران و روسیه تا ۲۰۱۸ فراهم شده است.

عوامل متعددی در ترویج و تشویق همکاری‌ها تأثیر دارند: نزدیکی جغرافیایی، درک منافع مشترک در حوزه‌های مهم منطقه‌ای، چالش سیاسی نسبی دو کشور با غرب و درک متقابل نیاز به مخالفت با حضور و نفوذ قدرت‌های بزرگ در حوزه‌های پیرامونی دو کشور. از نظر ایران، روابط با روسیه می‌تواند موازنه‌دهنده موضع ایران در مسائل بین‌المللی به‌ویژه در مقابل غرب و بازدارنده سایر قدرت‌های منطقه‌ای باشد و تلاش‌های آن‌ها را برای حذف نقش ایران در منطقه ناکام گذارد. اما برای مسکو روابط با ایران از این جهت اهمیت دارد که به توسعه نفوذش در مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای، به‌ویژه در خلیج فارس و خاورمیانه کمک می‌کند و این نشانه استقلال عمل دولت روسیه در مسائل بین‌المللی است و از این جهت مصرف داخلی مهمی دارد و به حل مشکلات روسیه در سطح داخلی و منطقه‌ای به‌ویژه در مسائل اسلام‌گرایی و خزر کمک می‌کند. میزگردهای مشترکی که تاکنون در پایتخت‌های دو کشور برای بررسی روابط

تهران-مسکو برگزار شده، به خوبی نشان‌دهنده اهمیت روابط متقابل برای آن‌هاست (کرمی، ۱۳۸۸: ۲۳۳). می‌توان روابط دوکشور را به سطوح دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی تقسیم و به بررسی آن‌ها پرداخت:

## علائق و فرصت‌های همکاری دو کشور در سطح دوجانبه

### ۱. بخش انرژی

روسیه و ایران با دارا بودن درصد عمده‌ای از منابع اثبات شده نفت و گاز جهان، درصدد تنظیم سیاست‌های تولید و صادرات خود هستند که به‌طور بالقوه بر قیمت و عرضه این منابع در سطح جهانی تأثیر می‌گذارد. با توجه به دغدغه‌های امنیت عرضه انرژی در میان کشورهای واردکننده انرژی، این موضوع مورد توجه قرار گرفته است. همکاری در زمینه انرژی با آگاهی روبه رشد بین‌المللی از ذخایر عظیم هیدروکربنی دو کشور مصادف شده است. یکی از ویژگی‌های تعامل روسیه با ایران در زمینه انرژی، گسترش منافع این کشور در دو منطقه ژئوپلتیک خاورمیانه و دریای خزر است که ایران در این مناطق واقع شده است. برخی تخمین‌های محافظه‌کارانه مؤید این مطلب است که روسیه امروزه ۴۸ تریلیون مترمکعب ذخایر گاز طبیعی (حدود ۳۰٪ کل ذخایر جهان) را دارا است. از سوی دیگر، روسیه در حدود ۷۵ بلیون بشکه یا تقریباً ۸٪ منابع نفت جهان را دربردارد. ایران نیز دارای ۲۷ تریلیون مترمکعب ذخایر گاز و یا در حدود ۱۷٪ کل ذخایر گاز جهان است. ذخایر نفت ایران ۱۳۸ بلیون بشکه و یا ۱۲٪ کل ذخایر جهان برآورد شده است (مامدوا، ۱۳۸۵: ۱۲۵). منافع روسیه در بخش انرژی در ارتباط با ایران عبارتند از:

- تضمین محصولات صادراتی در جهت توسعه ظرفیت‌های گاز و نفت روسیه که به توسعه یک صنعت ال.ان.جی رقابت‌پذیر در سطح جهان بیانجامد.
  - نظارت بر فعالیتهای اوپک در راستای حفظ ثبات قیمت‌ها و این که ایران یکی از اعضای مهم این سازمان است.
  - تلاش در جهت ترغیب ایران برای پذیرش موقعیت روسیه در تعیین حدود دریای خزر و پذیرش دستیابی مشترک به آب‌های سطحی این دریا.
  - مشارکت فعال‌تر با ایران در راستای اشاعه تجارت بلندمدت از آسیا به اروپا و ایجاد یک کریدور حمل‌ونقل برای رقابت با کانال سوئز.
- منافع ایران نیز در ارتباط با روسیه عبارتند از:

- توسعه ظرفیت‌های تولید نفت و گاز و همچنین میدان‌های گازی دریایی از جمله میدان گازی پارس جنوبی در خلیج فارس به جهت از دست ندادن سهم بازار روسیه و دیگر تولیدکنندگان غیراوپک.

- دسترسی به سرمایه خارجی و تکنولوژی بالادستی پیشرفته نفتی و گازی.

- گسترش لوله‌های گازی جدید از ترکیه، منطقه بالکان و اروپای مرکزی و شرقی.

- تضمین سهم بیشتر از منابع نفت و گاز دریای خزر و مقابله با ورود قدرت‌های خارجی به این دریا.

- تبدیل شدن به مسیر مهم انتقال نفت و گاز میان کشورهای منطقه خزر و کشورهای مصرف‌کننده آسیا-پاسفیک.

روابط ایران و روسیه در زمینه انرژی متکامل و دربرگیری رقابت، همپوشانی و اشتراک است که با ملاحظه‌های خاص استراتژیک و ژئوپلتیک هر دو طرف می‌توانند از آن به نفع خود سود برند. هر دو کشور از تولیدکنندگان و صادرکنندگان عمده نفت و گاز جهان هستند اما دارای اهداف و موقعیت‌های واگرا می‌باشند (مامدوا، ۱۳۸۵: ۱۳۰).

روسیه عضو اوپک نیست و به این ترتیب از دو سو نفع می‌برد: یکی این که محدود به سقف تولید معینی نیست و دیگر این که از ثبات قیمتی تعیین شده اوپک بهره می‌برد. اما ایران از سوئی برای تولید بیشتر نفت، نه تنها به علل اقتصادی بلکه به علل فنی نیاز به همکاری و انتقال فناوری‌های جدید دارد. نیاز مبرم روبرو است. بزرگ‌ترین کمپانی‌های نفتی روسیه مانند لوکویل، یوکوس، سلاو نفت، تات نفت و زاروبژ نفت نیز به مشارکت در صنایع نفت ایران علاقمند هستند.

با این وجود، در حوزه انرژی، گسل‌ها بیش از جاذبه‌هاست، به این معنا که ایران چندان راغب نیست تا خلأ ناشی از عدم حضور شرکت‌های بزرگ نفتی غربی را که دارای فناوری و توان سرمایه‌گذاری بسیار بالایی هستند به راحتی با شرکت‌های نفت و گاز روسی پر کند. درخصوص دیپلماسی خط لوله نیز، تهران و مسکو دو رقیب جدی برای انتقال نفت و گاز جمهوری‌های قفقاز و آسیای مرکزی همچون قزاقستان، ترکمنستان و ارمنستان به شمار می‌روند. با توجه به صرفه اقتصادی بالای مسیر ترانزیتی ایران، روسیه همچنان سایه سنگین خود را بر حوزه‌های نفت و گاز این مناطق و انتقال آن به بازار مصرف حفظ کرده است. ایران در این زمینه تنها موفق شده است تا در چارچوب عملیات سواپ از سال ۲۰۰۳، روزانه ۱۲۰ هزار بشکه نفت را از دو جمهوری قزاقستان و ترکمنستان دریافت و در شهرهای شمالی خود مصرف کرده و مابه‌ازای آن را در جنوب کشور در اختیار خریداران قرار دهد (کیانی، ۱۳۸۷: ۳۶۲).

## ۲. بخش حمل و نقل و ارتباطات

تاکنون بخش عمده صادرات روسی به ایران ابتدا از طریق راه‌آهن تا آستاراخان و سپس از طریق دریای خزر تا ساحل ایران حمل می‌شد. کالاهای ایرانی نیز به وسیله کشتی تا ماخاچ قلعه و سپس با قطار به بخش مرکزی روسیه انتقال داده می‌شد. اکنون حمل کالا از راه‌آهن فقط از ایستگاه مرزی ۷ سرخس و از طریق ترکمنستان ممکن است. به علت عرض متفاوت راه‌آهن روسیه و ایران در این ایستگاه، دستگاه تعویض چرخ نصب شده است که می‌تواند روزی ۲۰۰ واگن سرویس دهد.

موضوع اصلی در حمل و نقل میان دو کشور اکنون کریدور شمال- جنوب است. این مسیر قرار است حمل و نقل کالا از اروپا از طریق خاک روسیه و ایران به آسیای جنوبی و جنوبی شرقی و بالعکس را تأمین کند. توسعه راه‌های این کریدور اجازه خواهد داد سالی ده میلیون تن بار یعنی چهار برابر بیش از سطح کنونی از خاک ایران عبور کند. توسعه کریدور شمال- جنوب ناظر به ایجاد خط کشتی‌رانی در دریای خزر و توسعه بنادر دو کشور، ساخت بزرگراه دور دریای خزر و توسعه خطوط راه‌آهن کشورهای عضو است. برای روسیه مناسب‌تر است که تبادل کالا با هند را از طریق ایران انجام دهد تا از طریق مسیر طولانی دریایی به دور آفریقا یا از طریق کانال سوئز تا سن پترزبورگ. به‌طور کلی خطوط انتقال کالاها از کشورهای آسیایی به روسیه از طریق ایران از نظر مسافت ۳-۴ برابر کوتاه‌تر از مسیرهای موجود است. در حال حاضر به دلیل این که تناسب صادرات روسی به ایران ۲۰ به ۱ است کشتی‌های حامل کالاهای روسی به ایران، خالی برمی‌گردند، در حالی که می‌توانند کالاهایی را که از هند و آسیای جنوب شرقی ترانزیت می‌شوند به روسیه حمل کنند. در صورت انتقال بارها از این کریدور، مدت حمل بار از آسیای جنوب شرقی به اروپای غربی حداقل به میزان ۴ تا ۳ روز و هزینه‌ها به میزان ۲۰ تا ۱۵٪ کاهش خواهد یافت.

در آینده می‌توان امکان ساخت کانال کشتی‌رانی بین دریای خزر و خلیج فارس را بررسی کرد. در ایران چنین طرحی در گذشته تهیه شده است و با اجرای آن در جغرافیای کشتی‌رانی دریایی جهان تحولی شبیه به تحول ناشی از ساخت کانال‌های سوئز و پاناما رخ می‌دهد. بهره‌برداری از خطوط رو- دریایی خزر نیز یکی از قسمت‌های مهم طرح حمل و نقل نوستراک است که تحت سرپرستی سازمان یونیدو طراحی شده

است (سنایی، ۱۳۸۷: ۱۴).<sup>۱</sup> استفاده از مسیر آبی بنادر ایرانی در دریای خزر از طریق کانال ولگادن به سوی اروپای جنوبی و از طریق کانال دریای سفیدبالتیک به سوی کشورهای اسکاندیناوی و اروپای شمالی نیز می‌تواند آینده روشنی داشته باشد (سنایی، ۱۳۸۷: ۱۵).

### ۳. همکاری در زمینه انرژی هسته‌ای

در شرایط عدم همکاری شرکت‌های غربی و مخالفت آمریکا و اروپا با ادامه کار نیروگاه هسته‌ای بوشهر و در پرتو دگرگونی در سیاست خارجی روسیه، قرارداد اتمام پروژه نیروگاه هسته‌ای بوشهر میان دو کشور به امضا رسید. این قرارداد ۷۰۰ میلیون دلاری که در سال ۱۹۹۵ میان دو کشور بسته شد، شرایط مناسبی را برای فعالیت‌های اقتصادی در روسیه به همراه آورد. این اقدام در روسیه با مخالفت‌های جدی مواجه شد. مخالفان این همکاری را با منافع روسیه در مغایرت می‌دانستند و کمک به ایران در این زمینه را تهدیدی برای روسیه برآورد می‌کردند. ولی موافقان بر تحت کنترل بودن برنامه هسته‌ای ایران از سوی آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای (IAEA) تأکید داشتند. همکاری در این زمینه نه تنها مزایای اقتصادی بلکه سیاسی-امنیتی نیز در بر داشته که اوراسیاگرایان بر آن تمرکز داشته‌اند. برای روسیه این همکاری فرصتی بوده تا از همکاری با آژانس در زمینه ارتقای کنترل‌های ایمنی در این فعالیت‌ها بهره‌گیر (کولایی، ۱۳۸۷: ۲۱۹).

همکاری در عرصه حساس هسته‌ای تحت تأثیر نه تنها عوامل اقتصادی بلکه عوامل سیاسی و استراتژیک قرار دارد. از اینجا معلوم می‌شود که برای تعیین دورنمای این همکاری باید توسعه اوضاع سیاسی و راهبردی منطقه‌ای و جهانی را در نظر داشت. از زاویه دید حقوق بین‌المللی و قوانین روسیه، همکاری هسته‌ای دو کشور تماماً جوابگوی روح و نص قرارداد عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای، اساس‌نامه ماگاته و قواعد صادراتی گروه صادرکنندگان هسته‌ای است.

به دنبال اعلام غنی‌سازی موفقیت‌آمیز اورانیوم توسط ایران در آوریل ۲۰۰۶، روسیه در سپتامبر ۲۰۰۶ موافقت کرد تا سوخت اورانیوم کمتر غنی‌شده را برای رآکتور بوشهر تا مارس ۲۰۰۷ فراهم کند، اما اقدامات روسیه با تأخیرهایی روبه‌رو شد و مقامات روسیه علت این تأخیرها را مشکلات فنی اعلام کردند. مقامات سایر کشورها نیز اعلام

۱. در سال ۲۰۰۰ میلادی با برگزاری دومین کنفرانس حمل و نقل بین‌المللی اروپا-آسیا در سنت پترزبورگ روسیه، کریدور حمل و نقل شمال-جنوب (نوستراگ) که شمال اروپا را از طریق روسیه - دریای خزر - ایران - خلیج فارس به دریای عمان و شبه قاره هند متصل می‌کند مورد توافق سه کشور ایران، روسیه و هند قرار گرفت.



کردند که روسیه قصد دارد از طریق اعمال فشار بر ایران در راستای حل بحران گام بردارد. سرانجام در ۲۱ آگوست ۲۰۱۰ تأسیسات بوشهر به عنوان یک نیروگاه هسته‌ای عملیاتی شروع به کار کرد. در اوایل سپتامبر ۲۰۱۱ ایران به‌طور رسمی اعلام کرد که نیروگاه اتمی بوشهر با سوخت بارگذاری شده و به‌طور موفقیت‌آمیز به سیستم برق کشور وصل شده است (Global Security, Accessed on 31 May 2012).

روسیه به دلیل نداشتن تکنولوژی رقابتی، دارای مزیت فراوانی در حوزه انرژی هسته‌ای ایران است. به همین دلیل شرکت میناتم<sup>۱</sup> و شرکت‌های دیگر از قبیل تکنوپرومکسپورت<sup>۲</sup> که تجهیزات برقی زیادی را به ایران انتقال داده‌اند و ایستگاه‌های برقی را در این کشور ساخته‌اند مشتاق ادامه فروش تکنولوژی به ایران هستند. تأمین فناوری هسته‌ای برای ایران توسط روسیه، انتقاد مداوم و شدید آمریکا را در پی داشته است. این مسئله اهمیت انتقال فناوری‌های هسته‌ای به ایران در محاسبات سیاست خارجی روسیه را نشان می‌دهد (Belopolsky, 2009)، به دلیل منافع اقتصادی قابل توجه روسیه با ایران، این کشور رفتار محتاطانه‌ای را در پیش گرفته، سعی می‌کند لطمه‌ای به روابطش با متحدین غربی وارد نشود و از طرف دیگر منافع خود را در رابطه با ایران دنبال می‌کند. روسیه از حمله آمریکا به عراق چندین درس مهم گرفته است. در اکتبر ۲۰۰۶، لاورف وزیر خارجه روسیه اعلام کرد مخالف استفاده از شورای امنیت برای تنبیه ایران هستیم و از استفاده ابزاری برنامه هسته‌ای ایران برای ارتقای دیدگاه تغییر رژیم حمایت نمی‌کنیم (Shokri, 2013).

باوجود ادعاهای متعدد مقامات رسمی آمریکا درباره انتقال فناوری‌های موشکی و هسته‌ای روسی به ایران، همکاری در این زمینه بین دو کشور توسعه یافته و ادامه خواهد یافت، زیرا با منافع بلندمدت روسیه مطابقت دارد. در دستورکار سیاست خارجی روسیه در سال ۲۰۱۲ نیز بر حل مسالمت‌آمیز بحران هسته‌ای ایران و کنار گذاشتن گزینه نظامی تأکید شده است.

روسیه معتقد است که یکی از اهداف سیاست غرب در قبال ایران بیرون راندن روسیه از این کشور و گرفتن جای آن به عنوان صادرکننده کالاهای درجه بالای فناوری است. بنابراین، قطع همکاری با ایران در زمینه انرژی هسته‌ای ناگزیر موجب تقویت و افزایش روابط بین ایران و غرب خواهد شد.

---

1. Minatom  
2. tekhnopromexport

## همکاری نظامی

در نظام بین‌المللی فاقد سلسله مراتب قانونی و نهادهای مشروع تضمین‌کننده امنیت بین‌المللی که بنا بر دیدگاه واقع‌گرایان نوعی هرج و مرج بر آن حاکم است، هر دولتی در درجه نخست مجبور است به دنبال افزایش قدرت و توانمندی‌های نظامی خود باشد و نوعی سیاست دفاعی خوداتکا را دنبال کند، زیرا مقوله بقا و امنیت ملی چیزی نیست که بتوان آن را به سادگی در گرو کشورهای دیگر قرار داد. از این جهت، تأمین تکنولوژی و تسلیحات از منابعی که در دسترس قرار دارد به امری ضروری برای بازدارندگی دشمن و در صورت وقوع جنگ، سرکوب آن تبدیل خواهد شد. اما از آنجا که ممکن است کشورها نتوانند به تنهایی از عهده برخی تهدیدات برآیند، توسل به اتحادهای دفاعی و انتخاب جهت‌گیری‌هایی که منجر به شکل‌گیری پیمان‌های دفاعی گردد، مطرح می‌شود. در واقع، از منظر نیازهای امنیتی، شراکت یا هم‌پیمانی راهبردی عالی‌ترین سطح همکاری امنیتی و دفاعی میان دو یا چند دولت است. همواره همه کشورها علاقمند هستند تا هر چه بیشتر از تعداد کشورهای دشمن و تهدیدکننده آن‌ها کاسته شده و در عوض بر متحدین آن‌ها افزوده شود.

پیشرفت‌های جمهوری اسلامی ایران در زمینه موشک‌های عقاب، شاهین، فجر، فتح ۱۱۰ و به‌ویژه شهاب (۱، ۲ و ۳) سوءظن آمریکایی را نسبت به روسیه افزایش داده است. با وجود این که وزیر دفاع ایران پس از آزمایش موشک میان‌برد شهاب ۳ (با برد ۱۳۰۰ کیلومتر)، اعلام کرده است که برنامه تولید موشک‌های با برد بیشتر متوقف شده است، اما آن‌ها ایران را متهم به کار بر روی تولید موشک شهاب ۴ براساس تکنولوژی موشک اس اس ۴ روسیه کرده‌اند.

روسیه عضو رژیم کنترل تکنولوژی موشکی است که یکی از ترتیبات غیررسمی کنترل صادرات با هدف جلوگیری از گسترش موشک‌های بالستیک و کروز است. در این ترتیبات که ۳۳ دولت عضو آن هستند، دولت‌ها موظفند تا از انتقال موشک‌های با مواد منفجره ۵۰۰ کیلوگرم در مسافت بیش از ۳۰۰ کیلومتر خودداری کنند. اگرچه براساس رژیم مذکور، محرومیتی برای ناقضین آن در نظر گرفته نشده، اما دولت آمریکا به‌طور یک‌جانبه برخی مؤسسات روسی را تحریم کرده است. در زمینه موشک‌های دفاعی نیز گفته شده است که ایران اقدام به خرید موشک‌های ضد‌هوایی و سیستم‌های ضد موشک نظیر اس ۳۰۰ و اس ۴۰۰ برای حفاظت از مراکز و تأسیسات حیاتی خود کرده است.

با وجود در جریان بودن معامله تسلیحاتی روس-ایران، درباره انواع جنگ‌افزارهایی که قرار است معامله شود کمتر گزارشی مستند وجود دارد. به‌طور معمول فهرست نیازمندی‌های ایران اولویت را به تجهیزاتی می‌دهد که بتواند سیستم

دفاع ضد موشکی را بالا برده و توانایی عملیاتی و استراتژیک نیروی هوایی را افزایش و نیروی دریایی ایران را از لحاظ مانور مؤثر در خلیج فارس ارتقا دهد.

ایران باتوجه به حملات هوایی و موشکی احتمالی علیه تأسیسات کلیدی خود از جمله پایگاه موشک‌های بالستیک و نیروگاه‌های انرژی هسته‌ای، برای پدافند هوایی خود اهمیتی حیاتی قائل است. در نتیجه، ایران علاقمند به دستیابی به موشک‌های اس ۳۰۰، ام پی یو و سیستم‌های ضد موشک تور، ام-۱ و طیف وسیعی از دیگر موشک‌های زمین به هوا (سام) و رادار مراقبت هوایی است. طبق گزارشات منابع غربی، ایران همچنین علاقمند به کسب مجوز ساخت میگ-۲۹ و زیردریایی کیلو، مین‌های پیشرفته دریایی، اژدرافکن و آخرین مدل‌های تانک تی-۹۰ و تی ۷۲ است. علاوه بر آن ایران برای ارتقای پوشش پدافند هوایی خود علاقمند به جنگنده رهگیر سوخوی ۲۷ بوده و نیز به منظور افزایش قدرت ضربتی نیروی هوایی عملیاتی و تاکتیکی خود خواستار جنگنده میگ ۲۹ و هواپیمای ضدسطحی سوخوی ۲۵ است (کرمی، ۱۳۸۷: ۲۳۸).

مدرنیزه کردن نیروی دریایی اولویت دیگر سیاست دفاعی ایران است. ناوگان خلیج فارس ایران می‌تواند نقش مؤثری در دفاع از تنگه هرمز بازی کند. مقامات روسی نیز اظهار داشته‌اند که هرگونه جنگ‌افزار پدافندی که ناقض توافق‌نامه‌های بین‌المللی نبوده و هماهنگ با پیمان‌های منع گسترش فناوری‌های موشکی و هسته‌ای باشد در اختیار ایران می‌گذارد (کرمی، ۱۳۸۷: ۲۴۰).

در کل مجموعه پیوندهای دو کشور حکایت از همکاری‌های مهم تهران و مسکو دارد، اما به دلیل روابط گسترده روسیه و غرب (اروپا و آمریکا) و نیز اصول کلی سیاست خارجی این کشور نظیر عدم ورود به اتحادها و ائتلاف‌های نظامی و حفظ موضع داوری و میانجی‌گری، امکان تحقق پیمان نظامی را میان دو کشور دشوار ساخته است. ساختار نظام بین‌الملل امروز، نقش آمریکا، استقلال عمل دولت ایران، ذهنیت منفی دولت‌مردان روس نسبت به تعهدات نظامی امنیتی خارجی، ماهیت ایدئولوژیک اختلافات ایران و آمریکا و از همه مهم‌تر ماهیت غیرایدئولوژیک اختلافات روسیه و آمریکا همگی از عوامل محدودکننده روسیه در ورود به یک اتحاد با ایران هستند. لذا باید همکاری‌های دو کشور را عمدتاً در سطح همکاری سیاسی بازدارنده در سطوح منطقه‌ای و تجارت نظامی در سطح دوجانبه قلمداد کرد.

### روابط منطقه‌ای

ایران و روسیه به تدریج در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز و خزر به درک مشترکی از منافع متقابل رسیدند که مبنای همکاری آن‌ها در سطح مناطق است. خطر گسترش

نفوذ قدرت‌های غربی و متحدان آن‌ها، سرایت بحران‌های موجود در منطقه به درون مرزهای دو کشور و بستر ایجاد شده براساس قرارداد ۱۹۸۹<sup>۱</sup> در گسترش همکاری‌ها بسیار مؤثر هستند. موقعیت ایران به عنوان کشوری که هم در منطقه مهم خاورمیانه و هم در مناطق آسیای مرکزی، خزر و قفقاز از قدرت بازیگری برخوردار است، موجب شده است که ایران و روسیه به‌طور همزمان در مناطق مختلفی منافع متقابل یا متضاد خود را پیگیری کنند. در سطوح منطقه‌ای دو کشور می‌توانند در موارد ایجاد جایی همکاری‌های ثمربخشی داشته باشند هم در آسیای مرکزی و هم در خزر و قفقاز دو کشور قابلیت و ظرفیت آن را دارند که نهادهایی مؤثر برای حل‌وفصل مسائل و توسعه، امنیت و همکاری ایجاد کنند. این نهادها می‌توانند در توسعه منطقه‌ای و همگرایی‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی گام‌هایی بردارند. در نگاه تهران و مسکو حرکت‌های تندرو اعم از قومی، مذهبی و... در مناطق مشترک میان دو کشور منافع آن‌ها را به خطر می‌اندازد. از این‌رو، در بسیاری از زمینه‌ها به همدیگر نه به عنوان رقیب بلکه همچون همکار نگریده و تلاش‌هایی را به منظور حل‌وفصل مسائل به عمل آورده‌اند (کریمی، ۱۳۸۸: ۱۵۸). در ادامه به فرصت‌های همکاری در مناطق مختلف اشاره می‌شود:

### آسیای مرکزی

برای روابط ایران-روسیه، منافع طولانی‌مدت منطبق بر هم در حل‌وفصل اختلافات منطقه‌ای و میان قومیتی و جلوگیری از تهدیدات امنیتی منطقه‌ای آینده وجود دارد. هر دو کشور منافع متقابل‌شان را در تأمین امنیت و ثبات در منطقه استراتژیک آسیای مرکزی و قفقاز اعلام کرده‌اند (Shokri, 2013). ارزیابی عمومی وضعیت کشورهای آسیای مرکزی معرف شرایط زیر است:

۱. سیاست در این کشورها حول و حوش شخصیت‌ها، طایفه‌ها و قبایل است تا این که تحت تأثیر اندیشه و فلسفه سیاسی روشنی باشد،
۲. عموم این کشورها دچار بحران هویت هستند،
۳. آزادی‌های فکری، اجتماعی و مطبوعاتی محدود است و روش مملکت‌داری اقتدارگرایانه است، کمونیست‌های سابق مدیریت این جوامع را در اختیار دارند و از دموکراسی و انتخابات تنها برای تحکیم موقعیت شخصی و گروهی خود استفاده می‌کنند،

۱. اولین قرارداد نظامی ایران و روسیه در سال ۱۹۸۹ به منظور تحویل تسلیحات نظامی به ایران به ارزش ۱/۳ میلیارد دلار به امضا رسید. بیشتر تسلیحات ذکر شده در این قرارداد در خلال سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۹۱ به ایران تحویل شد.

۴. دین به عنوان یک مجموعه فکری در این کشورها حکم هویت ثانوی را دارد و رهبران سیاسی، اعتقادی به تفکر دینی ندارند، بی‌ثباتی سیاسی و کمبود تجربه مدت‌ها این جوامع را تحت‌الشعاع قرار خواهد داد چرا که فرایند کشورملمت سازی در دوران ابتدایی قرار دارد،

۵. ضعف جدی درونی این کشورها و تلاش آمریکا برای روسی‌زدایی، حوزه تصمیم‌گیری این کشورها را صحنه رقابت روسیه و آمریکا در یک سطح و دیگر قدرت‌ها مثل ترکیه، ایران، عربستان و رژیم صهیونیستی در سطح دیگر کرده و باعث آسیب‌پذیری آن‌ها شده است (سریع‌القلم، ۱۳۷۹: ۱۳۱).

باتوجه به نکات فوق‌الذکر، از حوزه‌های همکاری روسیه و ایران در آسیای مرکزی، مسئله امنیت و ثبات این منطقه است. بر همین اساس هرگونه تنش و ناامنی در این منطقه برای روسیه و ایران که دارای محیط امنیتی مشترک هستند، تهدیدزا است. روابط روسیه با جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز اصولاً تأثیرات فوری بر سیاست داخلی روسیه و میزان شفافیت، توانایی و قدرت نفوذ آن در تنظیم رابطه با خارج دارد. در دکترین سیاست خارجی روسیه تشکیل کمربندی از همجواری مسالمت‌آمیز پیرامون مرزهای این کشور و تلاش برای نابودی زمینه‌های تنش و درگیری و پیشگیری از پیدایش مشکلات در مناطق نزدیک به روسیه به عنوان یکی از اهداف اصلی سیاست خارجی روسیه تعریف شده است. ایران تنها کشوری است که با این سه حوزه مرز مشترک دارد و این ویژگی جغرافیایی باعث شده تا نقش ممتازی در سیاست خارجی روسیه پیدا کند.

آسیای مرکزی دارای ظرفیت نزاع در زمینه‌های آب، مرز، قومیت و افراط‌گرایی در داخل و در بین پنج جمهوری تاجیکستان، ازبکستان، قزاقستان، قرقیزستان و ترکمنستان است. عوامل خارجی که برای امنیت ملی سنتی به عنوان تهدید محسوب می‌گردند عبارتند از: افراط‌گرایی سیاسی و مذهبی، اقدامات تروریستی، گسترش تسلیحات و مواد مخدر، نزاع بر سر آب و مرز و عوامل بی‌ثباتی که از منطقه، مخصوصاً از افغانستان سرایت می‌کنند. قومیت، بزه‌کاری اجتماعی، فقر و ارتش و نهادهای قانونی ضعیف و دولت‌هایی که به واسطه فساد و ناکارآمدی به ضعف گراییده‌اند نیز از عوامل تهدید داخلی هستند.

زمینه دیگر رقابت یا همکاری روسیه و ایران در آسیای مرکزی مسئله انتقال انرژی این منطقه است. امروزه استراتژی تأمین یا فروش انرژی، ژئوپلیتیک آسیای مرکزی را با توجه به اهداف محلی، منطقه‌ای و جهانی به این سو و آن سو می‌کشاند. تمایل این جمهوری‌ها به غرب از یک سو و وابستگی امنیتی به روسیه از سوی دیگر بر

شک و تردید آنان می‌افزاید. همکاری ایران و روسیه ظاهر قضیه تعاملات این دو کشور بوده ولی در واقع روسیه به ایران به عنوان یک رقیب بالقوه نگریسته و از ورود و حضور ایران در فعالیت‌های مرتبط با صدور و ترانزیت انرژی در منطقه جلوگیری می‌کند. یکی دیگر از مسائل مشترک برای همکاری روسیه و ایران در آسیای مرکزی، مسئله ترانزیت مواد مخدر است. در زمان حکومت طالبان سطح همکاری روسیه و ایران بیشتر بود. در حال حاضر افغانستان از میانمار و لائوس در تولید مواد مخدر جلو افتاده است. حدود دو سوم کل معتادان جهان از تولید غیرقانونی افغانستان که ۹۰ درصد تولید جهانی را داراست، استفاده می‌کنند و حدود ۸۰ درصد اقتصاد افغانستان به تریاک وابسته است. راه شمالی ترانزیت مواد مخدر ترکمنستان، تاجیکستان و ازبکستان است که حدود ۹۵ درصد مواد از تاجیکستان عبور می‌کند و راه مرکزی ترانزیت ایران است. اگر مرزبان‌های روسی تاجیکستان را ترک کنند اوضاع وخیم‌تر خواهد شد. راه دیگر پاکستان است که مواد مخدر از طریق بندر کراچی به جنوب آسیا و حوزه خلیج فارس ترانزیت می‌شود. بنابراین یکی از حوزه‌های بالقوه همکاری روسیه با ایران می‌تواند بر محور چگونگی مبارزه با ترانزیت مواد مخدر افغانستان شکل بگیرد (حدادی، ۱۳۸۷: ۳۲۳).

### منطقه قفقاز

از زمان فروپاشی شوروی دریای خزر و قفقاز به دلیل منابع غنی نفت و گاز و موقعیت استراتژیک و ژئوپلتیک، مورد توجه بین‌المللی واقع شده است. این منطقه پس از حمله روسیه به گرجستان و به رسمیت شناختن یک‌جانبه استقلال آبخازیا و اوستیای جنوبی، موقعیت استراتژیک جدیدی به خود گرفته است. این حمله نشان داد روسیه توانایی به انزوا کشیدن کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز و منابع خزر و نیز تقویت انحصار انرژی‌اش بر اروپا را دارد و این مسئله عامل اصلی تغییر در سیاست انرژی و نیز تغییر در ژئوپلتیک است که بر پایه این سیاست انرژی و انحصار انرژی روسیه بنیان گذاشته شده است. این جنگ ریسک‌پذیر بودن مسیر انتقال انرژی در قفقاز جنوبی و نیاز به تضمین گسترده‌تر امنیت برای منطقه که برای اروپا و امنیت انرژی جهانی ضروری است را نشان داد (kakachia, 2011: 15-20). با تغییر ژئوپلتیک منطقه قفقاز بعد از سال ۲۰۰۸ و احساس خطر کشورهای این منطقه و گرایش به سوی سیاست‌های واگرایانه و در نتیجه نفوذ کشورهای غربی که به تقابل بیشتر روسیه و غرب در این منطقه می‌انجامد زمینه را برای بسط روابط ایران و روسیه فراهم می‌کند.

قفقاز به دلایلی از جمله حلقه وصل بودن قاره اروپا و آسیا، پل ارتباطی شمال-جنوب و شرق-غرب، محل تلاقی تمدن‌های کهن، همسایگی جهان اسلام و

مسیحیت، مسیر ترانزیتی نفت و گاز به اروپا، از اهمیت استراتژیک برخوردار است. قفقاز موزاییکی از اقوام مختلف است که هشت جمهوری خودمختار در شمال آن و سه جمهوری مستقل و چهار جمهوری خود مختار در جنوب آن قرار دارد و مجاورت با دریای سیاه (با توجه به وضع اوکراین و مسائل مربوط به گسترش ناتو و دیگر نهادهای غربی) آن را برای روسیه برجستگی ویژه‌ای بخشیده است. سیاست‌های منطقه‌ای روسیه در قبال قفقاز به نظر می‌رسد عمدتاً تابع ملاحظات امنیتی و استراتژیک است. برای ایران نیز مجاورت قفقاز ناامن و درگیر در مسائل قومی و هویتی بحران‌ساز، نگرانی‌هایی را به دنبال دارد.

ایران و روسیه نسبت به بحران‌های قومی منطقه از جمله بحران قره باغ حساسیت داشته و آن را برای امنیت ملی و نفوذ منطقه‌ای خود خطرناک دانسته‌اند، اما در ارتباط با این موضوع سیاست‌های جداگانه‌ای را دنبال کرده‌اند. روسیه به دلیل ارتباط ویژه با جمهوری ارمنستان و وابستگی این کشورها در عرصه‌های مختلف، ابزارهای متعددی برای نفوذ و فشار در این منطقه دارد. علاوه بر این، روسیه ارتباطات گسترده‌ای با اقوام داخل کشورهای منطقه مانند آبخازها، اوستیایی‌ها و آجارها داشته و از آن‌ها در برابر حکومت مرکزی حمایت می‌کند.

منافع دیگر ایران و روسیه در منطقه قفقاز مخالفت با حضور قدرت‌های خارجی و روابط کشورهای گرجستان و آذربایجان با ناتو است. به رغم این منافع مشترک، دو کشور تاکنون نتوانسته‌اند همکاری ملموسی در این حوزه‌ها داشته باشند.

در مورد مسئله روابط آذربایجان-ایران، سایه دخالت روسیه غیرقابل انکار است. دولت‌مردان روسیه همواره از کارت ملی‌گرایی در روابط با ایران استفاده می‌کنند. کنترل ایران از طریق آذربایجان مسئله تازه‌ای در سیاست خارجی روسیه نیست. دولت‌مردان شوروی هم همانند تزارها از مسئله آذربایجان در سیاست خارجی در برابر ایران استفاده می‌کردند.

درخصوص چین و تأثیر آن بر همکاری مسکو-تهران، رفتار ایران یکی از نقاط روشن سیاست خارجی ایران در قبال روسیه است. موضع اصولی ایران در هنگام ریاست سازمان کنفرانس اسلامی در مورد چین برای دولت‌مردان روس احساس امنیت از جانب ایران و سایر کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی را به همراه داشت. بعد از ۱۱ سپتامبر هم مطرح شدن بحران قفقاز شمالی به عنوان مسئله داخلی روسیه دست دیگر کشورها را از دخالت در امور روسیه در شمال قفقاز کوتاه کرد. نکته‌ای که در رابطه با مسئله چین مطرح است این است که ایران نیز همانند ترکیه می‌تواند از مسئله چین

به‌عنوان اهرم فشاری علیه روسیه در راستای پیشبرد منافع ملی خود استفاده کند (حدادی، ۱۳۸۷: ۳۲۳).

### دریای خزر

مسائل دریای خزر از پیچیدگی بیشتری برخوردار است و اگرچه دو کشور در ابعاد سلبی مانند عدم حضور و فعالیت کشورهای غیرساحلی، جلوگیری از عبور خطوط انتقال انرژی بستر دریای خزر، ایجاد یک رژیم حقوقی جدید برای دریای خزر توافق دارند، اما در ابعاد ایجابی چنین نیست و مسائل غیرقابل حلی میان آن‌ها وجود دارد. از نگاه ایران، موافقت‌نامه دوجانبه روسیه و قزاقستان و پس از آن موافقت‌نامه روسیه و آذربایجان در مورد تقسیم دریای خزر، خلاف روح تفاهات موجود میان دو کشور بوده است. این موافقت‌نامه‌ها ایران را برای رسیدن به توافق با کشورهای همجوار تحت فشار قرار می‌دهد.

اقدام روسیه در تقسیم دریاچه و تعیین مرزهای ساحلی خود با قزاقستان و آذربایجان به خوبی نشان داد این کشور در مسیر تأمین اهداف خود از کنار گذاشتن توافقی‌های پیشین ابایی ندارد. روسیه نشان داد براساس دگرگونی در محیط واقعی دریای خزر، نفوذ آمریکا و شرکت‌های چندملیتی از یک سو و نیاز شدید کشورهای منطقه به درآمدهای ارزی از سوی دیگر، راهی جز تغییر روش در قبال مسائل حقوقی این دریاچه در پیش روی ندارد. این امر با اعتراض ایران نسبت به عدم پایبندی این کشورها به توافقی‌های پیشین تا قبل از حصول توافق جدید مواجه شد که عملاً پاسخی در بر نداشت. در این رابطه روسیه به همکاری با طرح باکو-تفلیس-جیحان مبادرت ورزیده است و ویکتور کالیوژنی نماینده ویژه وقت رئیس جمهوری روسیه در امور دریای خزر سیاست ایران (بهره‌برداری مشاع یا تقسیم دریا به بخش‌های مساوی) را غیرعملی خواند.

در مورد خطوط انتقال انرژی نیز دو کشور با وجود توافق بر سر جلوگیری از ایجاد خطوط انتقال شرقی-غربی، اما هیچ توافقی برای بهره‌گیری از فرصت‌های جغرافیایی یکدیگر به عمل نیاورده‌اند تا جایی که روس‌ها بیشتر به انحصار خطوط انتقال انرژی برای رسیدن به موقعیت ابرقدرت انرژی از نگاه پوتین اندیشیده و ایران را به عنوان گزینه رقیب در این حوزه تلقی کرده‌اند (کرمی، ۱۳۸۸: ۱۶۱).

### خاورمیانه

عواملی در تقویت همکاری‌های ایران و روسیه در منطقه خاورمیانه نقش دارند. یکی به توان بالای کنش‌گری ایران در کشورهای عراق، افغانستان، سوریه، لبنان و فلسطین



مربوط است و عامل دیگر مربوط به انقلاب‌های عربی و روی کار آمدن حکومت‌های متمایل به غرب که در تعارض با منافع روسیه و ایران است و زمینه را برای همکاری بیشتر این دو کشور برای جلوگیری از سناریوهای همانند فراهم می‌کند.

در سند تدبیر سیاست خارجی روسیه، خاورمیانه در اولویت پنجم منطقه‌ای سیاست خارجی مسکو قرار دارد. از دوران پوتین نگاه به منطقه خاورمیانه و احیای ارتباط با متحدین سابق جان گرفته و روابط با دیگر کشورها نیز از سر گرفته شده است. اولویت‌های سیاست خارجی این کشور در منطقه، رابطه با کشورهای ایران، ترکیه، عراق و کشورهای جنوبی خلیج فارس بوده است. همچنین برای روسیه روابط با کشورهای سوریه، مصر، اردن، لبنان، فلسطین و رژیم صهیونیستی اهمیت دارد.

مواضع دو کشور ایران و روسیه نسبت به صلح خاورمیانه متفاوت بوده است. در حالی که ایران روند سازش را ناعادلانه می‌داند، روس‌ها روابط گرمی با رژیم صهیونیستی دارند. اسرائیل پس از ترکیه دومین شریک تجاری عمده روسیه در خاورمیانه است. علاوه بر آن نزدیک به ۱ میلیون روسی در اسرائیل سکونت دارند و این عامل مهمی برای روابط فرهنگی روسیه و رژیم صهیونیستی است. روابط دیپلماتیک نزدیک و همکاری فنی- نظامی دو طرف نیز در وضع مساعدی است. با این حال موضع روسیه نسبت به خاورمیانه در دوره پوتین به نوعی موازنه برگشته است و به دولت سوریه تسلیحات فروخته و با دولت خودگردان فلسطین ارتباط دارد و حتی پس از پیروزی حماس در انتخابات، سران آن را به مسکو دعوت کرد و این به‌رغم مخالفت‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی بود. مسکو معتقد است که باید به انتخاب مردم فلسطین احترام گذاشت. اما روابط رسمی با حماس را به شناسایی اسرائیل مشروط کرده است (کریمی، ۱۳۸۸: ۱۶۸).

در کل در منطقه خاورمیانه سه عامل باعث شده تا فرصت جدیدی در این حوزه برای همکاری منطقه‌ای ایران و روسیه فراهم شود. عامل اول تقویت جایگاه و نقش ایران در تحولات این منطقه به دلیل روی کار آمدن دولتی شیعه و طرفدار ایران در عراق و نیز پیروزی حماس در فلسطین، عامل دوم فعال‌تر شدن روسیه در روند تحولات خاورمیانه و خلیج فارس است که حمایت از حماس به‌رغم فشار غرب نمونه آن است (نعمتی، ۱۳۸۷: ۳۰۴)، عامل سوم بحران سوریه است. منطقه خاورمیانه و به ویژه بحران سوریه که تبدیل به بحران بین‌المللی شده است نمایان‌گر منافع مشترک دو کشور است. مشترکات میان سیاست ایران و روسیه در ارتباط با تحولات سوریه را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

۱. از دیدگاه ایران، سوریه خط مقدم جبهه مقابله با توسعه‌طلبی رژیم صهیونیستی است و اگر دولتی غرب‌گرا در سوریه بر سر کار آید به نفع ایران و جبهه مقاومت نخواهد بود، جمهوری اسلامی ایران از دولتی حمایت می‌کند که متحد مقاومت است. از نگاه روسیه این وجه موضوع که نباید در سوریه با مداخله غرب حکومتی طرفدار آمریکا به قدرت برسد با نگاه ایران نزدیک است. اما در باره وجه ضداسرائیلی بودن آن و حمایت از مقاومت، مسکو دیدگاه متفاوتی دارد. ۲. هم ایران و هم روسیه از انجام اصلاحات در ساختار نظام سیاسی کنونی سوریه به منظور ایفای نقش گسترده‌تر مردم سوریه برای تعیین سرنوشت‌شان حمایت می‌کنند و معتقدند از طریق مسالمت‌آمیز می‌توان به راهکاری برای همکاری بین دولت و مخالفان دست یافت. ۳. روسیه و ایران با مداخلات سایر کشورها در زمینه مسلح کردن مخالفان اسد به شدت مخالف هستند و این اقدام را زمینه‌ساز منطقه‌ای شدن بحران در خاورمیانه می‌دانند. ۴. روسیه و ایران از طرح سازمان ملل حمایت کردند اما در همین حال درباره عملکرد نیروهای ناظر صلح و گرایش‌های نفوذی بین آن‌ها نگران هستند. ۵. روسیه و ایران با به قدرت رسیدن گروه‌های تندرو وهابی و تکفیری که با عربستان ارتباط نزدیک دارند مخالف هستند. ۶. روسیه و ایران با مداخله نظامی در سوریه تحت هر پوشش و عنوانی مخالف هستند و با هر اقدام مداخله‌جویانه‌ای که مردم سوریه را از حق تعیین سرنوشت خود محروم سازد، مخالف هستند. ۷. ایران و روسیه سطح بحران در سوریه را نه یک بحران داخلی محدود بلکه به‌طور بالقوه یک بحران منطقه‌ای و بین‌المللی می‌بینند که تنها در سایه همکاری همه‌جانبه قابل حل و فصل خواهد بود (بهشتی‌پور، ۱۹۹۱).

### فرصت‌های همکاری در روابط بین‌الملل

در روابط میان ایران و روسیه طی چند قرن گذشته عنصر بین‌المللی به‌گونه‌ای پیوسته برجسته بوده است. عواملی از قبیل جغرافیای استراتژیک، تمایلات استراتژیک ایران و روسیه و پیوند ژئوپلتیک روابط ایران و روسیه با مناسبات قدرت‌های جهانی علت اهمیت عنصر بین‌المللی در روابط دو کشور است. جایگاه جغرافیایی ایران و ویژگی‌های گوناگون جغرافیایی این کشور، به همراه شرایط و مقتضیات محیط‌های پیرامونی ایران از جمله آسیای مرکزی و قفقاز، ترکیب جغرافیایی روابط دوجانبه را ماهیتی بین‌المللی بخشیده است. تسلط استراتژیک بر ایران و محیط‌های پیرامونی، موضوعی بین‌المللی و رقم‌زننده رقابت‌های فشرده جهانی است.

روسیه به‌طور پیوسته از قرن هیجدهم به بعد خواستار نقش بین‌المللی بوده و توانسته است این نقش را کمابیش بازی کند. اگرچه درجه و شدت نقش بین‌المللی

روسیه متغیر و تابعی از سامان قدرت آن بوده، اما تمایل استراتژیک به ایفای نقش بین‌المللی در سیاست خارجی روسیه همواره پایدار مانده است. در نتیجه ایفای چنین نقشی با در نظر گرفتن جغرافیای ایران و نزدیکی جغرافیای روسیه با آن، مستلزم توجه به ایران به عنوان موضوعی بین‌المللی برای طراحان و مجریان سیاست خارجی روسیه بوده است. از سوی دیگر، تمایل استراتژیک ایران در دوران مورد نظر متمرکز بر حفظ استقلال و تمامیت ارضی و ایفای نقش منطقه‌ای بوده و با عنایت به جایگاه جغرافیایی و توجه جهانی به این عنصر، ایران در موقعیتی پرچالش قرار گرفته است. این چالش‌ها به ایران موقعیتی بین‌المللی بخشیده و موضوع مناسبات با ایران را به موضوعی جهانی تبدیل کرده است.

روابط ایران و روسیه پیوسته عنصر سومی در مناسبات بین‌المللی به همراه داشته است و این عنصر سوم در قرن هیجده، نوزده و اوایل قرن بیستم، انگلیس بوده است. در سال‌های جنگ جهانی اول و دوم، عنصر سوم آلمان و متحدان آن بود. از پایان جنگ دوم تا پایان جنگ سرد و حتی تا حال حاضر که بیش از بیست سال از فروپاشی نظام دوقطبی می‌گذرد، عنصر سوم آمریکا است. چگونگی روابط روسیه با عنصر سوم یعنی آمریکا سایه سنگینی بر مناسبات دوجانبه دارد و از این رو، مناسبات دوجانبه در پرتو ماهیت عملکرد عنصر سوم متغیر ولی پایدار، قابل تحلیل است (کاظم‌پور، ۱۳۸۷: ۱۷۵).

در رابطه با زمینه‌های همکاری نیز به مواردی اشاره می‌شود:

۱. دو کشور ایران و روسیه با نظام بین‌المللی تک‌قطبی، هژمونی و یک‌جانبه‌گرایی آمریکا مخالفت جدی دارند. جلوگیری از فشارهای آمریکا برای منزوی ساختن ایران و روسیه، دستیابی به قدرت مانور بیشتر در سطح بین‌المللی با همکاری دولت‌های مستقل یا ناراضی از وضع موجود و جلوگیری از گسترش ناتو از مهم‌ترین موضوعات مشترک در حوزه سیاست خارجی ایران و روسیه است.

۲. ایران و روسیه نسبت به برخورد دوگانه غرب در زمینه حقوق بشر و دموکراسی معترضند و در بیانیه‌های متعدد به وجود استاندارد دوگانه در غرب برای مواجهه با این موضوع اشاره کرده‌اند و از آن انتقاد می‌کنند. همین دیدگاه مشترک در مورد استاندارد دوگانه در زمینه حقوق بشر باعث شده است که از مواضع یکدیگر حمایت کنند. از سال ۱۹۹۶ به بعد روسیه همواره به قطعنامه‌هایی که علیه حقوق بشر در ایران مطرح شده رأی منفی داده است و ایران نیز از مواضع روسیه حمایت کرده است.

۳. هر دو کشور مخالف تضعیف سازمان ملل در حل و فصل بحران‌های جهانی هستند و این مسئله زمینه را برای همکاری دو کشور مهیا می‌کند. هر دو کشور همکاری نزدیکی در سازمان ملل با همدیگر دارند و درخصوص موضوعات مهم بین‌المللی رایزنی مستمر و نزدیکی بین آن‌ها وجود دارد (کرمی، ۱۳۸۸: ۱۶۹).

### موانع و چالش‌های روابط دو کشور

#### در سطح دوجانبه

۱. یک نوع ذهنیت و نگرش منفی در بین برخی ناظرین و تحلیل‌گران روابط دو کشور وجود دارد. در جانب ایران گروهی در مورد روسیه به عنوان یک شریک قابل اعتماد برای درازمدت تردید دارند. در این زمینه از یک سو به نقش منفی امپراطوری روسیه و اتحاد شوروی در ایران در برخی مقاطع تاریخی اشاره کرده و بر این باورند که روسیه کنونی نیز با مهره ایران در تنظیم روابط خویش با اروپا و آمریکا بهره می‌گیرد و به عبارتی ایران را تبدیل به مهره‌ای برای باج‌خواهی و گرفتن امتیاز از آمریکا کرده است. از جانب روسیه نیز برخی تحلیل‌گران روابط، این اشکال را مطرح می‌کنند که در حالی که حجم مبادلات دو کشور در مقایسه با مبادلات روسیه با سایر کشورها ناچیز است اما عمدتاً شامل اقلام حساس، استراتژیک و دردسرساز می‌شود. این گروه مدعی‌اند که ایران فقط به دنبال تأمین اقلامی از روسیه است که آن‌ها را کشورهای دیگر در اختیار آن قرار نمی‌دهند و در صورت بهبود روابطش با آمریکا جایگاه روسیه و مبادلات با روسیه در سیاست خارجی ایران تقلیل خواهد یافت و نویسندگان روس از این موضوع به برخورد گزینشی ایران با بازار روسیه تعبیر می‌کنند.

۲. یکی از موانع، نبود روابط و همکاری روشن میان بانک‌های دو کشور است که تجار و کارفرمایان را با مشکلات زیادی برای انجام معاملات مواجه می‌کند و بسیاری از توافقات عمده مدت‌های زیادی برای حل مشکل بانکی و افتتاح حساب مربوطه معطل می‌مانند.

۳. مانع دیگر اطلاعات اندک و در برخی موارد نادرست تجار و کارفرمایان دو کشور از بازار کشور مقابل است. در حالی که امکان گسترده‌ای برای همکاری تجار دو کشور در سطح ملی و مناطق دو کشور وجود دارد، اما عدم شناخت تاریخی کارفرمایان دو کشور و همچنین نبود مراکز اطلاع‌رسانی صحیح در این زمینه مانعی برای توسعه روابط دو کشور بوده است. این در حالی است که نمایندگی بازرگانی نیز نزد سفارت‌خانه‌های هر دو کشور فعال است!

۴. یکی دیگر از موانع عمده توسعه روابط دو کشور که شاید از جانب ایران بیشتر محسوس باشد نبودِ کادر متخصص در این زمینه است. متأسفانه اکثر نهادهای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و تجاری در ایران با مشکل کمبود متخصص مسلط به زبان روسی و آشنا با حوزه‌های کاری در کشور مقابل مواجهند. البته اقداماتی صورت پذیرفته است و سازمان‌های مختلف دانشگاهی و خصوصی در این زمینه فعالیت‌هایی را آغاز کرده‌اند که باید به صورت جدی مورد توجه و حمایت دولت قرار گیرد (سنایی، ۱۳۸۷: ۲۳).
۵. وجود دیدگاه‌های متضاد و مخالف در بین طیف‌های مختلف روسیه نسبت به نوع مناسبات با ایران. در شرایطی که نهادهای سیاسی-امنیتی نظیر وزارت دفاع، شورای امنیت و بخش‌هایی از وزارت خارجه به اهمیت ایران برای روسیه واقف هستند، اما نهادهای مالی و اقتصادی گسترش مناسبات با ایران را برخلاف منافع درازمدت روسیه که همگرایی با غرب است می‌دانند.
۶. رفتار سیاسی روسیه: تجربه روابط ۴۰۰ ساله نشان می‌دهد که توفیقات ما در مناسبات با روسیه زمانی حاصل شده است که روس‌ها را در موقعیت خوف و رجا نگاه داشتیم و از طریق ایجاد موازنه منفی آن‌ها را وادار به دادن امتیاز کردیم. رفتار روس‌ها در طول تاریخ نشان می‌دهد که اشتباهی سیری‌ناپذیری دارند و اگر اهرم‌هایی برای کنترل این اشتها وجود نداشته باشد تنظیم متعادل مناسبات بسیار سخت خواهد بود (نعمتی، ۱۳۸۷: ۳۰۶).
۷. ایران همچنان اصرار دارد تا از رهگذر مبادلات اقتصادی و همکاری‌های منطقه‌ای با روسیه از این کشور یک شریک امنیتی برای خود فراهم آورد، حال آن که روسیه نه تنها نمی‌تواند بازار مصرف اشتهاآوری برای ایران باشد، بلکه سرشت و ساختار اقتصادی و نیز جنس نیازهای اقتصادی ایران به گونه‌ای است که روسیه اساساً نمی‌تواند یک شریک اقتصادی و تجاری مطمئن و معتبر برای این کشور به شمار آید.
۸. عدم انجام تعهدات طرفین در قبال یکدیگر: مشکل پرداخت‌های پولی و مالی و در نتیجه عدم تأمین نیازهای ایران، قوانین بازرگانی دو کشور، عدم هماهنگی نیازهای متقابل و در یک کلام مکمل نبودن اقتصاد آن‌ها موجب تأخیرهای آزردهنده در انجام تعهدات طرفین می‌گردد. مسئولان اقتصادی ایران نیز مسائل و چالش‌های توسعه روابط بازرگانی دو کشور را در چهار محور می‌دانند: حمل و نقل، بانک، بازاریابی، اطلاع‌رسانی و امور نمایندگی و استنادارد.
۹. ساختار نامناسب اقتصادی و تجاری: روسیه به دلیل سابقه اقتصادی کمونیستی و دولتی و ایران نیز به دلیل ساختار غالب اقتصاد دولتی نتوانسته‌اند همکاری‌های اقتصادی خود را توسعه دهند. بدیهی است، به دلیل روند طولانی

بوروکراتیک و اداری، بیشتر شریان‌های اصلی اقتصادی همچنان در دست دولت است و این وضعیت جواب‌گوی یک تجارت پر رونق نیست.

۱۰. مرغوبیت کم و اقتصادی نبودن کالاهای ارائه شده: هنوز ویژگی تولید انبوه با هزینه کم و همچنین رعایت استانداردهای لازم در کالاهای دو کشور وجود ندارد. این مسئله در کنار رقابت قوی شرق و جنوب شرقی آسیا که توانایی‌های بالای تجاری و تولیدی دارند از موانع همکاری اقتصادی محسوب می‌شود. (کریمی، ۱۳۸۸: ۱۸۶).

۱۱. عضویت روسیه در سازمان تجارت جهانی و تنظیم قوانین، مقررات و سیاست‌های اقتصادی خود براساس استانداردهای این سازمان، با توجه به این که ایران هنوز به دلایل سیاسی موفق به عضویت در این سازمان نشده است. یکی دیگر از موانع گسترش و تعمیق روابط اقتصادی دو کشور خواهد بود.

#### در سطح منطقه‌ای

۱. همکاری دو کشور در سطح منطقه‌ای بیشتر دایر بر عدم مزاحمت بوده و کمتر به مسائل پویا، سازنده و آینده‌نگرانه تعلق گرفته است. نمونه عینی آن را در فقدان تشکیلات و سازوکاری برای حل و فصل مسائل منطقه‌ای خزر، آسیای مرکزی و قفقاز می‌توان دید،

۲. روسیه با اعمال سیاست اوراسیاگرایی و در راستای تثبیت هژمونی سنتی، کمتر مایل بوده ساختارهایی شکل بگیرد که کشور دیگری چون ایران در آن نقش داشته باشد و منطقه را حیطه خلوت و حوزه انحصاری منافع خود دانسته و انتظار دارد که ایران نیز این وضعیت را محترم بشمرد. این در حالی است که در مناطق مذکور کشورهای ترکیه، چین، آمریکا و اروپا و کشورهای عرب به‌طور جدی فعال هستند.

۳. در رابطه با دریای خزر نیز روس‌ها در توافقات آشکار و پنهان خود با کشورهای ساحلی دریای خزر، چندان خواسته‌های ایران را در نظر نگرفته‌اند. از نظر مسکو، خط فاصل بین ایران و کشورهای همسایه همان خط آستار-حسینقلی است که در زمان شوروی به‌طور یک‌جانبه و براساس توافق داخلی میان جمهوری‌های اتحاد شوروی ترسیم شده است. عملکرد روس‌ها در طی ۲۰ سال گذشته نیز چیزی غیر از این نبوده است و کمتر حاضر به اظهارنظر، بیانیه و یا توافقی بوده‌اند که فراتر از این خط را برای ایران در نظر بگیرد.

۴. دو کشور نسبت به عبور خطوط انتقال انرژی از مبدأ دریای خزر به سمت بازارهای مصرف نگاه متفاوتی دارند. مسکو به شکل‌های مختلف کوشیده است تا کشورهای منطقه را وادار به انتخاب مسیر شمالی کند و جمهوری اسلامی ایران نیز

به‌طور طبیعی، مسیر جنوبی را به عنوان نزدیک‌ترین و کم‌هزینه‌ترین مسیر انتقال انرژی مطرح می‌کند. در حال حاضر بیشتر انرژی منطقه از طریق مسیر شمالی و سپس مسیر باکو - تفلیس - جیحان انتقال می‌یابد.

### در سطح بین‌الملل

۱. روسیه اولویت‌های مهم‌تری نظیر اتحادیه ارواسیا، کشورهای مشترک‌المنافع، اروپا، آمریکا و شرق دارد و ایران در درون اولویت پنجم (خاورمیانه) مطرح است. روس‌ها انتظار دارند هر جا که اشاره کنند، ایران باید مخالفت‌های ضد آمریکایی خود را خاتمه دهد تا آن‌ها بر سر دو راهی‌های دشوار انتخاب یک طرف قرار نگیرند. در واقع آن‌ها هنوز ایران را یک کشور جهان سومی می‌پندارند که برای ایجاد برخی دردها برای آمریکا در سیاست بین‌المللی موجود اهمیت دارد اما این وضعیت نباید برای روسیه هزینه‌ای ایجاد کند (کرمی، ۱۳۸۸: ۱۸۶).

۲. سیستم بین‌المللی، اتحاد استراتژیک ایران و روسیه را بر نمی‌تابد. در دوران جنگ سرد توجه به چنین اتحادی تعادل سیستم را به هم ریخت. احتمالاً در حال حاضر نیز چنین اتحادی توسط قدرت‌های بین‌المللی قابل تصور و تحمل نیست. مرز دوستی ایران و روسیه تا هر کجا رود از نظر بازیگران بین‌المللی نمی‌تواند وارد مرحله ائتلاف و اتحاد استراتژیک شود. به نظر می‌رسد روس‌ها با وقوف از مرزهای نانوخته روابط از درجه تحمل سیستم بین‌الملل آگاهی دارند و ایران با عنایت به شرایط بین‌المللی، پیوسته روابط دوستانه‌ای با همسایه شمالی خود داشته است، (سجادپور، ۱۳۸۷: ۱۸۰)

۳. متشنج بودن مناسبات ایران با غرب: سیاست خارجی روسیه در حال حاضر مبتنی بر دو اصل مهم واقع‌گرایی و عمل‌گرایی است. براساس همین دو اصل، روس‌ها به دنبال رفع تنش در مناسبات خود با غرب هستند از این رو نمی‌خواهند با گسترش بیش از حد نیاز مناسبات خود با ایران، منافع خود را در غرب به خطر بندازند (زرگران، ۱۳۸۷: ۳۰۷).

۴. یکی از اساسی‌ترین چالش‌ها در رابطه با روسیه در عرصه نظام بین‌الملل، نبود حالت موازنه برای ایران در رابطه با این کشور است. به خاطر این رابطه یک‌طرفه و نبود اهرم فشار بر روی روس‌ها، دست این کشور برای درهم شکستن توافقات و پیشبرد منافع خود بدون ملاحظه ایران و کارت بازی قرار دادن ایران باز است.

## پیشنهادها برای تسهیل و گسترش روابط

### در سطح دوجانبه

۱. تبادل هیأت‌های اقتصادی و تجاری و بالا بردن سطح تماس مقامات ذی‌صلاح دو کشور برای آشنایی بیشتر و درک متقابل،
۲. برگزاری نمایشگاه‌های اختصاصی تجاری در دو کشور، تبادل هیأت‌های اقتصادی به‌ویژه اتاق بازرگانی، صنایع و معدن برای آشنایی بیشتر با بازارهای طرف مقابل،
۳. ایجاد و تقویت لابی‌های لازم برای تسهیل در تصویب و اجرای قوانین،
۴. امضای اسناد لازم برای کم‌کردن موانع دولتی تجاری و اقتصادی و فراهم کردن زمینه‌های حقوقی در بخش اقتصاد،
۵. تأسیس شعبه‌های بانک ملی در روسیه برای تسهیل فرایند مالی کارهای تجاری و ارائه خدمات نظیر اختصاص وام،
۶. ایجاد زیرساخت‌های حمل و نقل و تحرک بخشیدن حمل و نقل در هوا، دریا و خشکی برای تسهیل ترانزیت کالا و نیز استفاده از مسیر داغستان و باکو،
۷. استفاده از تکنولوژی اطلاع‌رسانی برای ایجاد سایت‌های تجاری و ارائه آخرین آمار و اطلاعات لازم در این سایت‌ها و نیز ارائه آخرین بسته‌های اطلاعاتی مناسب هر بازار به صادرکنندگان،
۸. تصویب قوانین و مقررات در جهت حمایت‌های مالی به صورت اعتبار و بیمه برای تجار،
۹. با همکاری اداره استاندارد روسیه، شرکت‌های تولیدکننده کالا به مقصد بازار روسیه نشان استاندارد آن کشور را دریافت نمایند تا با تسهیل ورود کالاها به روسیه از سوء استفاده احتمالی رقبا نیز جلوگیری شود،
۱۰. تعادل بخشیدن به تراز پرداخت‌های دو کشور،
۱۱. تلاش برای عضویت در سازمان تجارت جهانی و برداشتن موانع سیاسی عضویت: انجام این کار به دلیل عضویت روسیه در این سازمان، در راستای بسط روابط با این کشور ضروری است.

### در سطح منطقه‌ای

۱. توسعه همکاری در رابطه با مسیرهای انتقال انرژی: به‌رغم سیاست اوراسیاگرایی و حفظ استیلای سنتی روسیه در مناطق و مطرح بودن ایران به عنوان رقیب برای این کشور، امکان همکاری میان روسیه و ایران در رابطه با مسیرهای انتقال



انرژی وجود دارد. سیاست روسیه در راستای دستیابی به مکان‌های بیشتر در آسیا از قبیل هند و پاکستان و بهره‌وری از نزدیکی و مجاورت ایران با این کشورها، امکان این همکاری را میسر می‌سازد.

۲. شکستن تحریم‌ها: در صورت برداشتن تحریم‌ها از ایران، این کشور مهم‌ترین بازیگر منطقه‌ای و محتمل‌ترین مسیر برای روابط اقتصادی خواهد بود.

۳. با توجه به این که برخی ناظران دستیابی ایران به موقعیت مهم در منطقه را برخلاف منافع طولانی مدت دولت‌هایی خاصی از قبیل روسیه و آمریکا تصور می‌نمایند، در نتیجه ایران باید قدم به قدم بدون ایجاد هراس در میان شرکا و رقیبان، روابط خود را با روسیه ادامه دهد. البته باید این نکته را هم در نظر گرفت در شرایط فعلی با توجه به افزایش کنش‌گری و تأثیرگذاری ایران در میانجی‌گری و حل‌وفصل مناقشه‌های خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز، روسیه هم حداقل در کوتاه‌مدت یا میان‌مدت به همکاری راهبردی با ایران نیازمند است و این فرصتی برای ایران در راستای تعمیق روابط است (Dinpajouh, 2009).

### در سطح نظام بین‌الملل

۱. باید با دید واقع‌بینانه و کنکاش و شناخت درست منافع روسیه و ایجاد تعامل میان فضای گفتمان و فضای زیست به تعامل با این کشور مبادرت ورزیم. دستیابی به اتحاد استراتژیک با روسیه امکان‌پذیر نیست. لازمه دستیابی به اتحاد استراتژیک داشتن منافع مشترک و تعریف واحد از منافع ملی در طولانی‌مدت میان بازیگران است و ما با اتکا به منافع نسبی مشترک با روسیه نمی‌توانیم زمینه‌ساز تحقق اتحاد استراتژیک باشیم زیرا امکان تصادم منافع نسبی و ایجاد تعارض بین بازیگران در سیاست بین‌الملل زیاد است.

۲. مدیریت روابط ایران و روسیه فراتر از رابطه دوجانبه تهران و مسکو رفته و یک موضوع بین‌المللی است و باید با دقت در ساختار سیستم بین‌المللی اداره شود. هر گونه تقلیل‌گرایی در مدیریت روابط دو کشور مخصوصاً تنزل تحلیلی آن به آمار و ارقام تجاری، تأمین‌کننده منافع همه‌جانبه ایران نیست. یعنی در رابطه با این کشور باید ساختار قدرت نظام بین‌الملل و همچنین رابطه و جایگاه روسیه با دیگر قدرت‌های نظام بین‌الملل را در نظر گرفت.

۳. خلأ مهمی که در سی سال پیروزی انقلاب اسلامی ایران در رابطه با روسیه با نوسان کم و زیاد در دوره‌های زمانی مختلف ولی به‌طور مستمر و پایدار احساس می‌شود عدم موازنه و نبود اهرم فشار در رابطه با این کشور است. ما می‌توانیم این خلأ را به‌طور

نسبی حداقل با بهبود روابط با کشورهای مهم اروپایی پر کنیم. همچنین می‌توانیم از اهرم‌های منطقه‌ای برای تأثیرگذاری بر این کشور استفاده کنیم. کشوری مثل ترکیه با استفاده از اهرم فشارهایی مانند موازنه قوا، مسئله چین، عبور و مرور نفتکش‌ها از تنگه‌های بسفر و داردانل و حقوق بشر علیه روسیه، توانسته است روابطش را با این کشور مدیریت کند و به‌رغم این اختلافات میزان روابط بازرگانش با روسیه حدود ۱۰ میلیارد دلار و ۵ برابر کشور ایران است.

### نتیجه‌گیری

دستور کار سیاست خارجی روسیه در سال ۲۰۱۲ در قیاس با دستورکار سیاست خارجی این کشور در سال ۲۰۰۰ تغییر چندانی نکرده است، اما نکته مهم تغییر شرایط محیطی منطقه‌ای و جایگاه روسیه است. روسیه فعلی که پس از سال‌ها چانه‌زنی مستمر عضویت سازمان تجارت جهانی را به دست آورده و از سال ۲۰۱۳ به ریاست گروه جی ۸ نایل شده، نسبت به روسیه ۲۰۰۰ تغییر پیدا کرده است. شرایط منطقه‌ای نیز با تحولات خاورمیانه و سرنگونی حکومت‌های اقتدارگرا و افزایش کنش‌گری بازیگران فرامنطقه‌ای در منطقه استراتژیک آسیای مرکزی و قفقاز و نیز تشدید سیاست‌های واگرایانه کشورهای این مناطق در پی مناقشه روسیه و گرجستان در سال ۲۰۰۸، تغییر پیدا کرده است. فارغ از روابط دو جانبه که ایران برای گسترش روابط با روسیه باید اقتصاد خود را براساس نرّم‌ها و موازین سازمان تجارت جهانی تطبیق دهد و برای عضویت در این نهاد بین‌المللی کوشش کند، تحولات منطقه‌ای در آسیای مرکزی و قفقاز و خاورمیانه، که به افزایش اهمیت حضور و کنش‌گری ایران منجر شده است روسیه را ملزم کرده است که برای تأمین منافع خود حداقل در کوتاه‌مدت یا میان‌مدت به بهبود و تعمیق روابط با ایران مبادرت ورزد و این فرصت خوبی برای ایران فراهم می‌کند تا در راستای تأمین منافع خود به همکاری گسترده‌تر با این کشور مبادرت ورزد. ابقای پوتین در مسند ریاست جمهوری هم که در قیاس با مدودف بدبینی و سیاست‌های تقابلی‌اش نسبت به غرب بیشتر است تا سال ۲۰۱۸ فرصت خوبی برای همکاری دو کشور مهیا می‌کند، زیرا در حالت افزایش تنش در روابط روسیه و غرب، نقش دولت به جای گروه‌های اقتصادی در دستگاه تصمیم‌گیری سیاست خارجی روسیه افزایش پیدا می‌کند و این مسئله به اهمیت بیشتر و برجسته شدن رابطه با ایران در دستگاه دیپلماسی خارجی روسیه می‌انجامد.

## منابع

۱. بهشتی‌پور، حسن (۱۹۹۱)، مقایسه تطبیقی سیاست ایران و روسیه در قبال سوریه، دسترسی در در سایت: <http://www.mardomsalari.com/template1>
۲. تضمینی، غنچه (۱۹۹۱)، روابط ایران و روسیه، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، <http://peace-ipsc.org>
۳. سریع‌القلم، محمود (۱۳۷۹)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
۴. سنایی، مهدی (۱۳۸۷)، روابط ایران و روسیه: مشکلات و دورنمای پیش رو، در کتاب روابط ایران و روسیه به کوشش مهدی سنایی و جهانگیر کرمی، ایراس.
۵. حدادی، راحله (۱۳۸۷)، همکاری‌های منطقه‌ای در روابط ایران و روسیه، در کتاب روابط ایران و روسیه به کوشش مهدی سنایی و جهانگیر کرمی، ایراس.
۶. کاظم پور، سید محمدکاظم (۱۳۸۷)، عنصر بین‌المللی در روابط ایران و روسیه، در کتاب روابط ایران و روسیه به کوشش مهدی سنایی و جهانگیر کرمی، ایراس.
۷. کرمی، جهانگیر (۱۳۸۸)، روابط جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۸. کرمی، جهانگیر (۱۳۸۷)، روابط نظامی ایران و روسیه، در کتاب روابط ایران و روسیه به کوشش مهدی سنایی و جهانگیر کرمی، ایراس.
۹. کولایی، الهه (۱۳۸۷)، روابط ایران و روسیه؛ تداوم یا تغییر، در کتاب روابط ایران و روسیه به کوشش مهدی سنایی و جهانگیر کرمی، ایراس.
۱۰. کیانی، داوود (۱۳۸۷)، آسیب‌شناسی روابط ایران و روسیه، در کتاب روابط ایران و روسیه به کوشش مهدی سنایی و جهانگیر کرمی، ایراس.
۱۱. مامدوا، نینا (۱۳۸۵)، "مناسبات اقتصادی ایران و روسیه"، فصلنامه ایراس، شماره اول.
۱۲. نعمتی، علی‌باقر (۱۳۸۷)، جایگاه جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی روسیه، در کتاب روابط ایران و روسیه به کوشش مهدی سنایی و جهانگیر کرمی، ایراس.

13. Aras, Bülent and Fatih Özbay. —The Limits of the Russian-Iranian Strategic Alliance: Its History and Geopolitics, and the Nuclear Issue, *Korean Journal of Defense Analysis*, Vol. 20, No. 1, 2008, 56.

14. Belopolsky, Helen (2009), *Russia and the Challengers: Russian Alignment with China, Iran, and Iraq in the Unipolar Era*, CPI Antony Rowe, Chippenham and Eastbourne.

15. Burns, Nathan L. and Houman A. Sadri. —Russia, Iran, and Strategic Cooperation in the Caspian Region, *Paper presented to the 49th Annual ISA Convention San Francisco*, 28 March 2008, [http://www.allacademic.com/meta/p\\_mla\\_apa\\_research\\_citation/2/5/3/9/0/pages253904/p253904-1.php](http://www.allacademic.com/meta/p_mla_apa_research_citation/2/5/3/9/0/pages253904/p253904-1.php) (accessed on 6 July 2009).

16. Bushehr, <http://www.globalsecurity.org/wmd/world/iran/bushehr.htm> (Accessed on 31 May 2012).
17. Cited in Scott Peterson. —Russia, Iran Harden against West, *Christian Science Monitor Online*, 18 October 2007, <http://www.csmonitor.com/2007/1018/p06s02-woeu.html>(accessed on 6 July 2009).
18. Dinpajouh, Mona (2009), Russian Foreign Policy Toward Iran under Vladimir Putin:2000-2008, Oktay F.Tanrisever, Head of Department.
19. Jalali, Ali A. (2001/2002), The Strategic Partnership of Russia and Iran, *Parameters: US Army War College*, Vol. 31, No. 4, Winter.
20. Kakachia, Kornely K. (2011), Challenges to the South Caucasus Regional Security Aftermath of Russian–Georgian Conflict: Hegemonic Stability or New Partnership? *Journal of Eurasian Studies* 2.
21. Katz Mark N. (2002), Russian-Iranian Relations in the Putin Era, *Demokratizatsiya*, Vol. 10, No. 1, Winter.
22. Shokri, Omid (2013), “Iran – Russia Relations under Ahmadinejad Era”, *International Affairs and Global Strategy*, ISSN 2224-574X (Paper) ISSN 2224-8951 (Online).